

آموزه‌های غدیر و نفی انحرافات فکری در بحث امامت و مهدویت

جواد اسحاقیان درچه^۱

حجت حیدری چراتی^۲

چکیده

غدیر در جایگاه واقعیتهای مهم در تاریخ اسلام، نقطه عطفی در تبیین امامت و استمرار حرکت اسلامی بوده است. حضرت رسول ﷺ بر اساس دستور الهی، ارتباط وثیق امامت و ولایت را با حاکمیت و اداره امور دنیایی ترسیم فرمودند؛ مبنی بر اینکه محور و معیار حق، همان صراط مستقیم الهی در قالب حجت‌های معصوم است و این سیر تا آخرالزمان و امامت امام عصر عجل الله فرجه ادامه خواهد داشت؛ بنابراین بر اساس متون غدیر، از جمله خطبه غدیر و زیارت غدیریه، نظریات انحرافی همچون سکولاریسم، پلورالیسم، قرائت‌های متفاوت از دین، تسامح در ارتباط با دشمنان و مخالفان و برداشت‌های غلط از خاتمیت و مهدویت، باطل خواهد شد.

واژگان کلیدی: خطبه غدیر، زیارت غدیریه، ولایت، امامت، انحرافات فکری، خاتمیت، مهدویت.

۱. استادیار گروه اخلاق و متون اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت. assmerra@yahoo.com

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. hojatheidari@gmail.com

رویکرد صحیح در موضوع ولایت و امامت، آن است که ولایت الهی و خدامحوری در رأس اعتقادات شیعی بوده است. در برابر رویکردهای انحرافی که در مورد جایگاه و نقش دین در زندگی دارد، لازم است بر اساس متون دینی، خصوصاً نصوص مربوط به غدیر، نگاه صحیح به دین و برداشت واقعی از آن و نیز جایگاه اولیای الهی و همچنین نسبت این‌ها با حاکمیت و مسائل اجتماعی روشن شود. از آنجا که استمرار ولایت و امامت تا آخرالزمان و مهدویت امتداد دارد، پرداختن به موضوع مهدویت و خاتمیت با توجه به نصوص مذکور اهمیت دارد. با روشن شدن این محورها اوصاف و ویژگی‌های حاکمیت و حاکمان اسلامی بر اساس مفهوم غدیر هم روشن می‌شود.^۱ در این راستا به دنبال آن هستیم که پیام‌های غدیر را بر مبنای حقایق خطبه غدیر^۲ و زیارت غدیریه^۳ و دیگر متون مربوط به حضرت امیر علیه السلام اقتباس کنیم، تا پاسخی در برابر رویکردهای انحرافی در موضوع ولایت و مهدویت باشد. در این صورت روشن می‌شود که احیای امر اهل بیت علیهم السلام و رساندن پیام غدیر به چه معنا بوده است.^۴

راهبردهای مواجهه غدیر با انحرافات

۱. نفی قرائت‌های مختلف از دین

تفسیر نادرست مفاهیم دینی که ناشی از عواملی چون بدفهمی یا غرض‌ورزی است، مشکلات و خطراتی جدی بر جامعه دین‌داران تحمیل می‌کند. برای جلوگیری از آسیب اعتقادی در اجتماع دینی،

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی برای روشن کردن دیدگاه خود در مورد ولایت و امامت می‌فرماید: «لیس امری و امرکم واحدا؛ انی اربدکم لله و انتم تردوننی لانفسکم؛ هدف من و شما [گروه‌های فرصت‌طلب و مدعی] یکی نیست. من شما را نه برای خودم و نه برای خودتان، که برای حق می‌خواهم؛ در حالی که شما مرا برای خویشتن و منافع خود خواستارید»: نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۳۶.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۶.

۳. مفاتیح الجنان.

۴. عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْبَبْنَا أَهْرَنًا. قُلْتُ: كَيْفَ بُحِيي أَهْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ اباضلت هروی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند، رحمت کند آن کس که امر ما را زنده نماید». از ایشان پرسیدم: «چگونه امر شما را زنده کند؟» امام فرمود: «با فراگیری تعالیم ما و یاد دادن و رساندن آن به مردم؛ چراکه اگر مردم، محاسن و برتری کلام و روش ما را می‌دانستند، بدون شک از ما تبعیت می‌کردند»: بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰.

قبل از هر چیز نیازمند فهم صحیح مفاهیم دینی می‌باشیم. در این راستا ابتدایی‌ترین و صحیح‌ترین اقدام، رجوع به منابع اصیل دین (کتاب و سنت) است. در خطبه غدیر آمده است: «هان مردمان، همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران‌سنگ کوچک‌ترند و قرآن یادگار گران‌سنگ بزرگ‌تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می‌دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.»^۱

در مواردی مشاهده شده که با ارایه برداشت‌ها و قرائت‌های جدید و خودساخته از مفهوم امامت، قلب ماهیتی در چپستی این مقام به وجود آمده است؛ مثلاً تفسیر مقام امامت به یک مقام باطنی و محدود کردن آن به ارتباطات شخصی، تفسیری است که نه تنها دلیل شرعی معتبری ندارد؛ بلکه - به عکس - با بسیاری از نصوص از جمله خطبه غدیر و آموزه‌های متقن شیعی مغایرت دارد؛ برای نمونه در زیارت غدیری صفات امیرالمؤمنین نشان دهنده جایگاه اجتماعی حکومتی و دیگر ابعاد این مقام بلند است.^۲ امام عصر عجل الله فرجه نیز در آموزه غدیر به عنوان تنها حقیقت و نسخه جامع اسلامی در آخر الزمان است. در بخشی از خطبه غدیر آمده است:

آگاه باشید البتّه! آخرین امام زمان قائم (مهدی) است ... آگاه باشید او حامی دین خداست. ... آگاه باشید او معرف هر صاحب فضیلتی است به برترینش، و هر نادان بی فضیلتی است به نادانی‌اش ... آگاه باشید او رشید و رهسپار صراط مستقیم و استوار است ... او حجت پایدار خداوند است که حجت دیگری بعد از او نیست؛ زیرا حقی نیست که با او نباشد و نوری نیست که همراه او نباشد.

۲. رویکرد حق‌گرایانه در مقابل تکثرگرایی (پلورالیسم)

واژه پلورالیسم (pluralism) از پلورال (plural) به معنای تجمع و کثرت می‌باشد و پلورالیسم یا

۱. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمْ الثَّقَلُ الْأَضْعَرُّ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ».

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَليَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا [بر تو باد]. سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان، ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر بندگان».

کثرت‌گرایی که نقطه مقابل حصرگرایی (وحدت‌گرایی) است.^۱

پلورالیسم دینی در باب تکثر ادیان، یکی دیگر از رویکردها می‌باشد که امروزه بر سر زبان‌ها جاری است. کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای در باب حق بودن ادیان و محق بودن دین‌داران است. کثرت‌گرایان معتقدند ادیان مختلف، می‌تواند پاسخ‌ها و واکنش‌های گوناگونی نسبت به واقعیت غایی، در راه رستگاری انسان باشند.^۲

در خطبه غدیر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ضمن معرفی صراط مستقیم و نصب امام علی علیه السلام به عنوان جانشین، به ائمه پس از ایشان تا وجود مقدس امام عصر عجله الله تعالی فرجه تصریح می‌کند و اینکه هرکس از این مسیر خارج شود و دیگر راه‌ها را برود، گمراه است؛^۳ از این رو غدیر مبتنی بر تعیین امامان و مشخص کردن خلفای دینی است و مسئله خلافت و حکومت، به نظرات و برداشت‌های مختلف نسل‌های بعدی واگذار نشده است. در خطبه غدیر آمده است:

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده است و پس از من، علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.^۴

در زیارت غدیریه نیز بر لزوم تمسک به راه حق که واحد می‌باشد، تأکید شده است: «السلام علی دین الله القویم و صراطه المستقیم».^۵ در این فراز، راه مستقیم الهی همان راه امیرالمؤمنین علیه السلام است و نشان می‌دهد ادعای وجود صراط‌های مستقیم^۶ و تعدد راه حق، نظریه‌ای باطل است. روح اصلی غدیر، ولایت و امامت است و همچنان که در یکی از فرمایش‌های حضرت فاطمه علیها السلام

۱. حبیب، فرهنگ حبیب، ص ۴۶۸.

۲. ر.ک: صادقی، پلورالیسم: دین، حقیقت، کثرت، ص ۵۵ نیز: لگنهاوزن، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ص ۳۶.

۳. در حدیث ثقلین نیز که متواتر است، تنها راه هدایت را قرآن و اهل بیت دانسته است و این راه را صراط مستقیم می‌داند: «أئی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدأ لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».

۴. «معاشیر الناس، أنا صراط الله المستقیم الذی أمرکم باتباعه، ثم علی من بعدی. ثم وُلدی من صلیه ائمة (الهدی)، یهدون الی الحق و به یعدلون».

۵. «سلام بر دین محکم الهی و راه مستقیم وی».

۶. ر.ک: سروش، صراط‌های مستقیم، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۷.

آمده است: «امامتنا امانا من الفرقه»^۱ امامت اهل بیت (علیهم السلام) حافظ و نگهدار جامعه اسلامی از اختلاف است. غدیر به معنای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان نیست، غدیر مایه اتحاد و وحدت مسلمانان است؛ چون امامت، محور اتفاق و وحدت مسلمانان است. اگر همه مسلمانان در واقع براساس امر نبی خاتم (ص) و اطاعت امر ایشان ولایت ائمه (علیهم السلام) را بپذیرند و به ولایت معصومان تن بدهند، قطعاً جامعه اسلامی به وفاق و اتفاق نظر خواهد رسید. در واقع، روح غدیر، حاکمیت آموزه‌های اسلامی در همه مناسبات سیاسی و اجتماعی و فردی مسلمانان است؛ بنابراین غدیر و پیام امامت هرچند تکیه بر امامت خاص است و از تکثر حق فاصله می‌گیرد و در ظاهر به نظر می‌رسد که منجر به افتراق می‌شود، به دلیل محتوای معرفتی و توحیدی و انسانی‌ای که دارد، جامعه و گروه‌های مختلف را به سمت اتحاد می‌برد؛ زیرا لزومی ندارد برای همگرایی گروه‌های مختلف به تکثر عقاید قائل شویم؛ بلکه پیام انسانی و الهی مشترک، خود بهترین عامل همگرایی است. در خطبه غدیر نیز مواردی در این موضوع مشاهده می‌شود:

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار. آگاه باشید که تمام گذشتگان، ظهور او را پیش‌گویی کرده‌اند.^۲

نکته دیگر که در کنار دفع پلورالیسم در این عبارات مشهود می‌باشد، این است که میدان دادن به فضایل و ارزش‌ها و عدالت در همه موارد و نیز اتحاد در موعودگرایی مشاهده می‌شود و این موضوعات در مکاتب مختلف، دارای اختلاف و تکثراتی است؛ اما حقیقت و خالص آن، باعث همگرایی خواهد بود.

۳. نفی سکولاریسم

سکولاریسم^۳ عقیده‌ای است مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی. این تفکر به صورت کلی ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد. در لائیسیتیه اروپایی بحث شده که سکولاریسم یک جنبش به سوی مدرنیته و دور شدن

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. «أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ».

۳. به فرانسوی: sécularisme.

از ارزش‌های دینی است.^۱

بر اساس پیام غدیر و دیگر متون اسلامی تمام ابعاد از جمله جنبه‌های سیاسی اجتماعی در نظام و حاکمیت دینی به اصل دین پیوستگی و وابستگی دارد. بخشی از این پیوند در قالب تحقق امامت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم حاکمیت آن‌ها^۲ در این دنیا محقق می‌شود. در زیارت غدیریه می‌خوانیم: «گواهی می‌دهم تو امیرالمؤمنین به حق هستی که بر امت بیعت گرفت».

ذکر این نکته لازم است که لقب امیرالمؤمنین به عنوان لقب مهم حکومتی و حاکمیتی است که به امور دنیوی هم ارتباط تام دارد: «مولای من حقا که خدا تو را در دنیا و آخرت رفعت داده است». جنبه دیگری از پیوند دین و دنیا آن است که حاکم الهی باید به قوانین و دستورات دینی در تمام ابعاد آن آشنایی و تخصص داشته باشد تا در عمل، حاکمیت دین محقق شود؛ از این رو در بخشی از زیارت مذکور بیان می‌کند: «تویی دادگر در میان ملت و آگاه به مقررات خدا».^۳ بر اساس این فراز، زندگی شخصی و حکومتی حضرت امیر علیه‌السلام مبتنی بر معیارهای الهی و دینی است و مردم هم از این حاکم باید مقررات الهی را طلب کنند، نه قوانین و احکام قراردادی و بشری. حضرت امیر علیه‌السلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی و حکومتی بر اساس قوانین الهی عمل می‌کنند.^۴ حضرت حاضر نمی‌شوند غیر از منابع قرآن و سنت زیربنای دیگری را برای خلافت بپذیرند. یکی از افراد شورای شش نفره برای خلافت به حضرت عرض می‌کند: «باید در میان ما به روش کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره دو خلیفه اول عمل کنی». حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «هر اندازه که بتوانم، مطابق کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل می‌کنم... بی‌گمان، با بودن کتاب خدا و سنت پیامبرش، به سیره کس دیگری نیاز نیست».^۵ در فراز دیگر زیارت غدیریه در مورد اجرای عملی سنت‌های دینی و معیار بودن اوامر الهی از سوی

۱. نجفی، تمدن برتر، ص ۱۸۱.

۲. و در روایات آمده که اهل بیت علیهم‌السلام امنای الهی در خلق و حاکمان وی در زمین هستند.

۳. «أَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ».

۴. این در حالی است که امروزه برخی از کشورهای منطقه با وجود اسلامی بودن و مسلمان بودن حاکمان، بر اساس قوانین غیر دینی و لائیک عمل می‌کنند.

۵. رک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲؛ آمالی طوسی، ص ۵۵۷، ح ۱۱۷۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵۳.

حضرت، آمده است:

در دفاع از دین، سرسخت‌ترین ایشان، با کوشش حدود خدا را به پا داشتی و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشت‌هایت شعله جنگ‌ها را خاموش ساختی و با بیانت پرده‌های شبهه را دریدی و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای تو را از راه خدا نگرفت.^۱

بنابراین مسائل جهادی، دفاعی و سیاسی با تمام عرصه‌های زندگی حضرت امیر علیه السلام آمیخته است. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:^۲

هر کس برای دفاع از حق و حقوقش [چه حقوق معنوی یعنی کرامت و عزت انسانی و چه حقوق مادی‌اش یعنی در مبارزه با ظلم] کشته شود، شهید راه خداست.^۳

حضرت امیر علیه السلام در مورد شیوه حکومتی می‌فرمایند:

در حکومت اسلامی کسی که بخیل است و حرص می‌ورزد و چشم کج در مال مردم و نگاه تحقیرآمیز به حقوق مردم دارد، نباید مسئول باشد. افراد جاهل و قشری و عوام حق ندارند وارد حکومت دینی شوند.^۴

بدین معنا که هر کس سنت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را تعطیل می‌کند؛ یعنی در حکومت با قانون بازی می‌کند و قانون الهی را بر اساس میل خود اجرا می‌نماید. امیرالمؤمنین علیه السلام به آن‌ها اجازه نمی‌دهند در حکومت دینی وارد شوند.

در این راستا حضرت، انحرافات و هوای نفسانی را از عرصه حاکمیت می‌زداید. امام علی علیه السلام در این باب می‌فرمایند:

خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع

۱. «أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَ أَدْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ [بِجَهْدِكَ] وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ تُخَمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبِتَانِكَ وَ نَهْتِكَ سُورَ الشَّبَهِ بِبِتَانِكَ وَ تَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ ضَرْحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِظُ الْوَاصِفِينَ.»

۲. البته اصل روایت به واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و مورد تأکید حضرت امیر علیه السلام بوده است.

۳. «من قتل دون حقه فهو شهيد»؛ کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۰، ح ۱۱۲۳۶.

۴. «و لا الحافي و لا الحسائف و لا المرتشي و لا المعطل للسنه؛ افراد رشوه‌خوار و تعطیل‌کننده سنت‌ها و قوانین اسلامی هم حق ندارند در حکومت باشند»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲.

هوا ساخته‌اند و رأی آنان را پیرو قرآن نماید، و آن، هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده‌اند.^۱

در حکومت مهدوی نیز محوریت منابع اسلامی، امری مسلم است. پیامبر ﷺ فرمودند: «او [مهدی] از من است. خداوند، مرا و آیین مرا به وسیله او حفظ می‌کند. و او به سنت و روش من عمل می‌نماید».^۲ در مرحله عمل، حضرت حجت ﷺ احیاکننده احکام اسلام هستند.^۳ بنابراین در منطق ولایت و غدیر، دین و حاکمیت دینی با مسائل حقوقی و سیاسی-اجتماعی آمیخته است و در تمام عرصه‌ها معیارهای دینی حاکم است و اشخاص ملتزم به دین باید قرار بگیرند؛ نه اینکه تنها نام دین، زینت‌بخش باشد.

۴. اصل غلبه و استیلا بر کانون‌های انحراف

جریان مستمر امامت بر نفی ظلم و مقابله با کانون قدرت‌های جائر بوده است؛ زیرا امامت و خلافت در استمرار نبوت است که بر اساس منطق قرآن، ارسال انبیا، برپایی قسط و داد را دنبال می‌کند.^۴ در مورد غلبه حزب امامت و ولایت در خطبه آمده است:

هان! به خدا سوگند، این سوره^۵ درباره من نازل شده و شامل امامان می‌باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی بر ایشان نیست. آگاه باشید، البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین هستند.^۶

شئونی از امام زمان ﷺ در خطبه غدیر هم دلالت بر این غلبه می‌کند:

۱. «يعطف الهوى على الهدى اذ عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲. نیلی نجفی، منتخب الاثر، ص ۳۱۰.
۳. «مَجْدِدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ... وَ سَنَى نَبِيَّكَ؛ و تازه‌کننده احکام تعطیل شده از قرآن تو... و سنت پیغمبرت باشد».
۴. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ * وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ * إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» سوره حدید: ۲۵.
۵. آیاتی از سوره مائده.
۶. «فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (والله) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ حَصَّتْ، أَوْلَتْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ جُزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْعَاوُونَ».

آگاه باشید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه انتقام‌گیرنده از ستمکاران است^۱... آگاه باشید که او فاتح دژها و منهدم‌کننده آن‌ها است.^۲

این فرآز از ویژگی‌های آن حضرت، نشان‌دهنده آن است که دنیای قبل از ظهور ایشان، دارای ویژگی‌های خاصی است که سبب شده است پیامبر ص آن بزرگوار را این‌گونه و با این صفات بااقتدار معرفی کنند. اخبار فراوانی از عامه و خاصه نمایانگر این است که دنیای قبل از ظهور ایشان، جولانگاه ظالمان، مشرکان و بی‌دینان است؛ کسانی که با در دست داشتن قدرت، پیوسته در حال ظلم و خیره‌سری در دنیا هستند؛ لذا پیامبر اکرم ص آن بزرگوار را این‌گونه با صلابت و هیبت معرفی می‌کنند.

اما در مورد نوع و شیوه غلبه، بسیاری از افراد غالب و پیروز، ویژگی هادی بودن را ندارند؛ یعنی خیلی از افراد نمی‌توانند همه صفات متفاوت را با هم و در آن واحد در وجودشان داشته باشند؛ ولی ائمه ع دارای این نوع ویژگی‌ها هستند؛ مثلاً امیرالمؤمنین ع هم یک جنگجوی شجاع به تمام معناست و هم وقتی یتیمی را می‌بیند، پشتش به لرزه درمی‌آید و گریه می‌کند. امام زمان ع هم جامع این دو صفت متضاد است؛ یکی «غالب کُلِّ قَبِيلَةٍ» و دیگری «هادیها» است؛ یعنی ضمن اینکه غلبه دارد، ولی با قهر و غلبه، آن‌ها را از بین نمی‌برد؛ بلکه هدایت می‌کند.

قرآن نیز نتیجه این غلبه و تمکین یافتن دین در دوران ظهور را ایجاد امنیت همه‌جانبه دانسته است.^۳ بنابراین غلبه و استیلای دینی و حاکمیت دین - که کمالش در دوران ظهور می‌باشد - با رحمت و برخورداری مردم و امنیت آمیخته است و از نظر ماهیت و نتایج با نوع حاکمیت‌های قهر و غلبه‌ای که همچون تکفیری‌ها به نام اسلام انجام می‌دهند، کاملاً متفاوت است.

۵. مرزبندی با دشمن

قرآن به عنوان منبع اصلی تبیین امامت و ولایت، همواره بر جدا کردن جبهه حق و باطل و نیز لزوم

۱. «أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

۲. «أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا».

۳. وَ عَدَّ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ سوره نور، آیه ۵۵.

مرزبندی با دشمن و عدم تولی نسبت به آنان تأکید دارد. یکی از این تأکیدها در آیه اول سوره ممتحنه است.^۱

غالب مفسران تصریح کرده‌اند که آیات اول این سوره درباره حاطب ابن ابی بلتعنه، نازل شده است. وی به دلیل مصالح خانوادگی خود نامه پنهانی به شخصی داد تا به مکه برساند و در آن نامه، اخبار حکومت اسلامی را افشا کرد. وقتی کار او افشا شد، به پیامبر ﷺ عرض کرد: «من خیانت کار نیستم، فقط برای حفظ خانواده به مشرکان نزدیک شدم».

در این واقعه، حرکتی از ناحیه یکی از مسلمانان صادر شد که به قصد جاسوسی نبود؛ ولی اظهار محبتی به دشمنان اسلام محسوب می‌شد؛ لذا آیات فوق نازل گردید و به مسلمانان هشدار داد که از تکرار این گونه کارها در آینده بپرهیزند. در آیه بعد برای تأکید و توضیح بیشتر می‌افزاید: شما برای چه با آن‌ها طرح دوستی می‌ریزید؟ اگر آن‌ها بر شما مسلط شوند، دشمن شما خواهند بود، و دست و زبان خود را به هرگونه بدی بر شما می‌کشایند.

در روایات نیز این مرزبندی مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین ﷺ فرموده‌اند: «لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا یدخل النار الا من انکرهم و انکره». ^۲ ملاک ورود به بهشت، عرفان و شناخت متقابل در مورد اهل بیت ﷺ است و انکار نیز ملاک ورود جهنم است. در خطبه غدیر نیز مواردی وجود دارد که لزوم شناخت دقیق مرزها و التزام به آن برجسته است: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله».^۳

در این یاری موالیان ولایت و دوری از مخالفان ولایت، پیامی است که نشان‌دهنده لزوم صف‌بندی و مشخص شدن مواضع افراد در این موضوع است. لازمه این محبت با ولی الله فرمان بردن و پیروی کردن از او است و علامت این نوع محبت هم پیروی کردن و متابعت از دوستان مقرب و فرستادگان اوست. در زیارت غدیریه امام هادی ﷺ نیز معیارهای مرزبندی وجود دارد: حضرت امیر ﷺ ایمان و تصدیق به حق را داشت؛ در حالی که دیگران منکر بودند و این‌ها بیان معیار شناخت اولیای حق و

۱. یا أَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا... .

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

۳. «بارالها، دوست بدار هر که علی را دوست دارد، و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد، و یاری کن هر که علی را یاری می‌کند، و خوار و تنها گذار هر که علی را خوار و تنها گذارد».

تمسک به آن‌هاست.^۱

یکی دیگر از نمونه‌های بیان شاخص و مرزها در زیارت غدیریه، ذکر نام و ماجرای عمار است که در میان بسیاری از صحابه تنها از وی نام برده می‌شود. او بر اساس روایات پیامبر ﷺ معیار تشخیص جبهه حق بود و با اقداماتی که انجام داد، به شناسایی جبهه حق کمک کرد.^۲

۶. برداشت انحرافی از امامت و شبهات نفی خاتمیت

با توجه به اینکه برخی اشخاص نظریاتی مطرح کردند که در قالب آن، ولایت ائمه و خصوصا مهدویت را با خاتمیت در تضاد دانسته‌اند، با مراجعه به نصوص مربوط به غدیر روشن می‌شود ولایت ائمه هدی و مهدویت، در حقیقت، معنابخش و تحقق‌دهنده خاتمیت است.

بر اساس زیارت غدیریه، پیغمبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را نسبت به خود در مقامی همانند مقام هارون به موسی نشاندهند و به ایشان گفتند: «تو از منی به منزله هارون نسبت به موسی، جز آنکه بعد از من پیغمبری نیست».^۳

۱. «أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ، وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكْذِبُونَ...».

۲. «لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّوْبِيلِ وَ عَدُوكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاغِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ يَدْعُو بِاطِلَا وَ يَحْكُمُ جَائِرًا وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَمَّا اسْتَشَقَى فَسَقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آخِرُ سَرَابِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا صَبَاحٌ مِنْ لَبَنٍ؛ ...توراست [ای امیرالمؤمنین] پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن، و توراست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تآویل. و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است، دعوت می‌کند دعوت باطل، حکومت می‌کند به ستم، فرمان می‌دهد غاصبانه، دارودسته‌اش را به دوزخ می‌خواند؛ درحالی که عمار جهاد می‌کرد و میان دو لشکر فریاد می‌زد: «کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت» و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: «رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش - به من فرمود: آخرین نوشیدنی‌ات از دنیا مخلوطی است از شیر، و تو را گروه متجاوز به قتل می‌رساند». پس ابوالعادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت. بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران؛ ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۷۷.

۳. « وَ أَخْلَهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي...».

بر این اساس پیامبر ﷺ در حدیث منزلت^۱ خاتمیت خویش را به وسیله تعیین امامت و جانشینی خود تبیین می‌کنند و در عین حال عدم نبوت پس از خود را مورد تأکید قرار می‌دهند. از سوی دیگر پیامبر بزرگوار ﷺ در خطبه غدیر به معرفی آخرین وارث انبیا و اولیای الهی پرداختند. خبر دادن از مهدی موعود ﷺ بیانگر آینده‌نگری اسلام و برنامه بلندمدت دین الهی برای مسلمانان است؛ با توجه به اینکه جانشینی و وراثت ایشان شامل ولایت هم هست. در واقع، این خطبه، اثبات‌کننده امامت، خاتمیت و قائمیت حضرت صاحب الزمان ﷺ بوده و آن‌ها را در یک مسیر نشان می‌دهد که همان ولایة الله است.

«ای مسلمانان بدانید که پایان خاتم ائمه و آخرین نفر از ائمه، از ماست و او کسی نیست جز حضرت مهدی قائم». بنابراین پیامبر به امامت و ولایت حضرت تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که منجی عالم از نسل پاک پیامبر و امام علی و حضرت فاطمه علیها السلام است. ایشان از کلمه قائم و مهدی در این خطبه استفاده کرده‌اند. همچنین فرمودند: «بدانید که او حجت ابدی است و پس از او حجتی نخواهد بود. حقی نیست، مگر با او، و نیرویی نیست، مگر در دست او». نتیجه این خطبه، آن است که همیشه باید یک حجت الهی روی زمین وجود داشته باشد و به ضرورت وجود حجت الهی تأکید می‌کند. بقای حجت الهی نشان دهنده وجود همیشگی آن بر روی زمین بوده و دارای عمری طولانی است. همچنین خاتمیت در این حجت، نشان‌دهنده آخرین حجت الهی بودن ایشان است. پیامبر ﷺ در این خطبه تأکید می‌کند که حجت واقعی، وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است و غیر از مهدی حجتی نخواهیم داشت. بنابراین اگر ادیان و مکاتب الهی ادعاهای زیادی در این خصوص داشته باشند، پیامبر ﷺ به همه آن‌ها پاسخ می‌دهند که حقانیت فقط برای مهدی موعود علیه السلام است. با تبیین امامت و مهدویت در آموزه غدیر، راه بر ادعای نبوت و رسالت جدید بسته می‌شود.

۱. این حدیث متواتر است: «ما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛ آیا راضی نمی‌شوی به این که جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون به موسی باشد مگر این که بعد از من پیامبری نیست؟» مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۴۱۷؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۲۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۸؛ کافی، ج ۸، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ باقلانی، کتاب تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، ص ۴۵۷؛ قاضی عبد الجبار بن احمد، المغنی، ج ۱۰، قسم ۱، ص ۱۵۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی، ج ۴، ص ۴۶۵؛ فخررازی، البراهین، ج ۲، ص ۲۵۷؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۹۶.

نتیجه‌گیری

آموزه‌های غدیر نشان می‌دهد تعیین امامت و جانشینی حجج الهی که بارها از سوی پیامبر -از جمله در غدیر خم و به دستور الهی- انجام شده و تبیین‌کننده تمام ابعاد دینی و دنیایی ولایت معصومان است و اینکه مشروعیت حاکمیت و قدرت در حکومت اسلامی مبتنی بر نصب الهی است. بر اساس معیارها و شاخصه‌هایی که ائمه علیهم‌السلام ارائه نموده‌اند، مؤمنان وظیفه دارند همواره در کنار آن‌ها و مطیع ایشان باشند و از قرائت‌ها و برداشت‌های انحرافی از اسلام دوری کنند. تفسیر صحیح غدیر باید در منابع رسمی و متقن آن جست‌وجو شود که همین منابع، امامت و مهدویت را مکمل خاتمیت دانسته‌اند و در عصر حاضر و زمان‌های آینده این آموزه‌ها راه‌گشا خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغة

مفاتیح الجنان

۱. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، صدقی محمد جمیل العطار، دار الفكر، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق مصطفی دیب البغا، دار ابن کثیر و الیمامة، چاپ چهارم، دمشق و بیروت، ۱۴۱۰ق.
۳. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد (مدینة السلام)، دار الکتب العلمیة، ۱۹ جلد، بیروت، بی تا.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵. تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، الشریف الرضی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۶. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، تحقیق: عبد الأمير مهتا، أعلمی، ۲ جلد، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۷. حبیب، سلیمان، فرهنگ حبیب، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۶۶.
۸. سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم، موسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۸۷.
۹. صادقی، هادی، پلورالیسم؛ دین، حقیقت، کثرت، مؤسسه طه، بی تا.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، أمالی، دارالثقافة، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. قاضی عبدالجبار بن احمد، المغنی، خطیب بغدادی، بی تا.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵.
۱۴. لگنهاوزن، محمد، کثرت گرایي دینی، ترجمه: نرجس جواندل، موسسه طه، بی تا.
۱۵. متقی الهندی، علی، کنز العمال، بکری حیانی و صفوة السقاف، مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۷. نجفی، موسی، تمدن برتر، چاپ دوم، آرما، ۱۳۹۰.